

بررسی تاریخ و هنر گویان و لولوییان

(اقوام باستانی غرب ایران)

در بیشتر کتابهای تاریخی که برای ایران نوشته اند، ابتدای تاریخ ایران از مادی ها و هخامنشی ها آغاز گردیده و در آنها ننوشته اند که پیش از آمدن این اقوام در سرزمین ایران چه مردمانی میزیسته اند و این مردمان آیا تمدن و فرهنگ و هنری داشته اند یا قومی بدوی و وحشی بوده اند.

قر دیدی نیست که این سکوت و خاموشی عمری برای آنست که تمدن و هنر و فرهنگ مادی و پارسی را تقلید و حتی در پاره ای از موارد زائیده تمدن و هنر و فرهنگ اقوام دیگری مثل مصری ها یونانیها، آشوری و سومری نشان دهند و حال آنکه باستاند

از
فرخ ملکراده
و کتر در باستان شناسی

پژوهشها و تحقیقات همان نویسندگان و محققان در زمان آمدن مادی ها و پارسیها به سرزمین ایران، اقوام دیگری که خود با آریائیها نزدیکی بسیار داشته اند^۱ از مدتها پیش در این نواحی جای داشته اند و دولتی بزرگ تشکیل داده بودند که در برابر دولت مقتدر آشور ایستادگی میکرد، تمدن و فرهنگ و هنری عالی و باشکوه داشته اند که آثار و بازمانده های آن را با آنکه هنوز کاوش و پژوهش کافی نشده امروز می شناسیم.

لذا بجاست که تاریخ و تمدن و فرهنگ مردمی را هم که قبل از آمدن هند و اروپاییان در ایران ساکن بوده اند شناخت زیرا در این صورت در بررسی فرهنگ و هنر اقوام باستانی ایران اصالت تمدن نیاکان ما بویژه آریائیها بیشتر و بهتر آشکار گشته و ما را در جهت ادامه راه پرافتخار گذشتگان خود تشویق و راهنمایی مینماید. بدین سبب بررسی و پژوهش تاریخ و تمدن ایران باستان باید بیشتر از طرف خود ایرانیان بعمل آید تا جهت اطلاع و آگاهی از تمدن نیاکان خود مجبور بقبول و ذکر عقاید و نظریات بیگانگان نباشیم. باین مقدمه باید گفت که کشورها ایران در دوران باستان و امروز مناطق وسیعی را در برداشته و دارد که در هر گوشه آن قوم و قبیله ای سکونت داشته اند ولی برای بررسی صحیح تر و بهتر در این گفت و گو بناچار از یک منطقه کوچک در مغرب ایران و آنهم منحصر بیک زمان مشخص یعنی در هزاره سوم پ. م. صحبت میکنیم.

در هزاره سوم پ. م. در نواحی غربی ایران مردمی ساکن بوده اند که از شمال بجنوب شامل اقوام گوتیان، لولوبیان، کاسیان و عیلامیان میباشند. این اقوام با ملل و اقوام غربی خود یعنی ساکنین بین النهرین و سوریه نیز در تماس و ارتباط بوده اند که آنها نیز از شمال بجنوب عبارتند از هوریان، اکدیان و سومریان، (شکل ۱) ولی صحبت ما در اینجا بیشتر درباره گوتیان و لولوبیان است.

۱ - اگر لولوبیان و گوتیان یکی دو قوم دیگر را که مسکن اولیه آنها در یکجا بوده و بعدها بسوی مغرب ایران آمده اند از تیره های دورتر آریائی ندانیم این نکته را نمیتوان نادیده گرفت که چون مسکن آنها در همسایگی اقوام آریائی بوده در بسیاری از رسوم و عادات و معتقدات و هنر و تمدن و غیره بین آنها و آریائیها شباهت ها و نزدیکی هایی بوده است.



نقشه باستان‌شناسی آسیای غربی

قبایل لولوبی^۲، بخش وسیعی از کوهها و کوهپایهها از قسمت شمال دیاله گرفته تا دریاچه ارومیه و اطراف آن مناطق را اشغال کرده بودند که از لحاظ نژادی از قبایل هوریانی و اورارتویی نبوده بلکه با احتمال قوی با عیلامیها قرابت داشتند^۳ و بزبان هوریانی لولو بمعنی بیگانه و دشمن است و اولین بار نارام سین^۴ نواده سارگن از شاهان اکد (قرن ۲۳ پ. م.) در کتیبه مشهورش ضمن شرح پیروزی خود از لولوبیان بحث میکند.

واژه گوتی^۶ در هزاره سوم و دوم پ. م. بیک گروه نژادی معین اطلاق میشده که در شرق و شمال و شمال غربی لولوبیان و احتمالاً در آذربایجان کنونی ایران و کردستان زندگی میکردند^۷. ولی تاچندی پیش عده‌ای عقیده داشتند که اراضی قبیله گوتیان همان جبال (جوری داغ) در شمال آشور می باشد^۸ که در این مورد استناد اکثر آنها به متون آشوری بود که در عین حال حاکی از آن است که گوتیان در مرز شمالی آشور مستقر نبوده بلکه در اراضی میان

2 — Louloubi

3 — G. Hüsing, *Der Zagros und seine Volker* (ein Archaologisch-ethnographische Skizze) Der, AO, IX, 3/4.

و کتاب کرمانشاهان باستان از آغاز تا آخر سده سیزدهم هجری قمری. با کوشش دکتر سهراب فیروزیان. تهران ۱۳۴۷. صفحه ۹ و ۱۶.

4 — Narâm—Sin

5 — E. Herzfeld, *Iran in the Ancient East*. London 1941 P. 184 Fig. 298. S. Smith, *Early History of Assyria*. London 1928, P. 27;

کرمانشاهان باستان صفحه ۹.

6 — Guti—Gouti

۷ — ا. م. دیاکونف، تاریخ ماد (ترجمه کریم کشاورز) تهران ۱۳۴۵ خورشیدی صفحه ۱۳۸.

8 — V. Sheil, «Une Nouvelle dynastie Suméro-Accadienne, les rois (guti)», CRAI, 1911 P. 318.

V. Sheil, «Anciennes dynasties de Summer-Accad» CRAI, 1911 P. 606.

Klio VI — 8, P. 212.

زاب سفلی و دجله و جبال سلیمانیه و دیاله ساکن بوده اند^۹ ولی در هزاره اول پ.م. همه اورارتوئیان^{۱۰} و مردم مانناومادا^{۱۱} را کوتی می گفتند فقط در کتیبه های سارگن دوم مادهای ایرانی زبان از کوتیان مشخص و ممتاز گشته اند.^{۱۲} کوتیان زبانی مستقل داشته اند که تا اندازه ای بازبانهای گروه عیلامیان و لولوبیان و کاسپیان که در نواحی زاگروس زندگی میکردند قرابت و نزدیکی داشته است (شکل ۲).

از لحاظ نژادی یکی از انسان شناسان فرانسوی پس از تحقیقاتی که در این مورد نموده است معتقد است قبیله مردمانی که در عصر حاضر بین آذربایجانیهها در ناحیه «شوشه» زندگی میکنند با تصاویر و مجسمه هائی که از لولوبیان و کوتیان مانده است مطابقت مینماید^{۱۳} که این قبیله در میان ساکنین زاگروس فراوان بوده است^{۱۴} بجز این دو قوم، مردمان دیگری بنام عیلامی کمی پائین تر از منطقه مسکونی لولوبیان و کوتیان یعنی از حدود خرم آباد امروزی تا کرانه های خلیج فارس سکونت داشته اند که آنها نیز پیش از آمدن بسرزمین ایران بالولوبیان و کوتیان در یکجا میزیستند.^{۱۵}

لولوبیان و کوتیان که بسبب نزدیکی با قلمرو آشوریها، غالباً مورد تهاجم و حملات آنها قرار میگرفتند، اگرچه خود در برابر آنها ایستادگی

9 — F. Hommel, *Grundriss der Geographie und Geschichte des Alten Orients*. Munchen 1904, P. 252 ff.

F. Delitzch, *Wo lag das Paradies*. Leipzig 1881, P. 27.

10 — Ourartu

11 — Mannai

۱۲-۱. م. دیاکونف. تاریخ ماد صفحه ۱۳۸.

13 — E. T. Hamy, «La figure humaine dans les monuments chaldéens», *Bull. et Mém. de la Société anthropologique de Paris*. ××I—3, 1907 P. 125 ff.

14 — G. Contenau, *Manuel d'archéologie Orientale I*. Paris 1927, P. 101 ff.

15 — B. Hrozný, *Histoire de l'Asie Antérieure*. Paris 1947 P. 88-89.



شکل ۲ - محل تقریبی گروه های نژادی در سرزمین ماد از هزاره دوم قبل از میلاد (از کتاب تاریخ ماد تألیف ا.م. دیاکونف) ترجمه کشاورز تهران ۱۳۴۵.

می کردند ولی سرانجام باعیلامی ها که توانسته بودند بتازگی دولتی مستقل تشکیل دهند متحد شدند و بخاک آشور و بابل تاختند .

ولی نکته ای را که باید ذکر نمود اینست که تماس و مناسبات لولوبیان و گوتیان با مردم بین النهرین منحصر بجنک و ستیز نبود .

و چون این اقوام کوهستانی راههای مغرب ایران را در دست داشتند بنابراین عملاً رفت و آمد کاروانها و مال التجاره را تحت نظارت داشتند و بجز آن مرتباً به بابل صادراتی میفرستادند و بر اثر همین رفت و آمدها تحت تأثیر تمدن مردم بین النهرین که شهرنشین بوده و تمدن بهتری داشتند قرار میگرفتند .

لذا در نیمه هزاره سوم پ. م. گوتیان که از مشرق بین النهرین حرکت کرده بودند بابل را پایمال کرده و چند قرن حاکم ساکنین آن دشتها شدند .^{۱۶} تحقیقاتی که در قل براك (در دره خابور) که در نزدیکی فرات است شده وجود يك قصر مستحکم را که بوسیله سارگن بنا شده و جانشینان او هم بکارهای ساختمانی ادامه داده و تکمیل نموده بودند اثبات مینماید که منظور از ساختن چنین قصری با وسایل تدافعی بمنظور جلوگیری از مهاجمات کوه نشینان یعنی گوتیان و لولوبیان بوده است .

گوتیان پس از اینکه سلسله اکد را منقرض نمودند شاید بخاطر داشتن قدرت ، مزاحم عیلامیها نیز بوده اند و این تسلط گوتیان ۱۲۵ سال ادامه داشت و پایتخت آنها در آراپها^{۱۶} که شاید کرکوک امروزی و در شمال سوربارتو^{۱۷} بود قرار داشت پیشوای گوتیان که بر نارام سینا کدی غلبه یسافت انرید اوازیر^{۱۸} بود که حتی شهر نیپور^{۱۹} شهر مقدس و مذهبی سومریان را

16 — R. Ghirshman, *Perse, Proto-Iraniens Mèdes Achéménides* 1963, P. 2;

دکتر احمد بهمنش ، تاریخ ملل قدیم آسیای غربی . تهران ۱۳۳۳ خورشیدی

صفحه ۵۴ .

17 — Soubartou

18 — Enridavazir

19 — Nippour

نیز فتح کرد ۲۰ و تاریخ کشته شدن نارام سین را در جنگ با انریداوا زیر
 ۲۲۰۱-۲۲۰۲ پ. م ذکر کرده اند ۲۱ و سپس فرمانروائی شارکالی ۲۲ شاری
 فرزند نارام سین از ۲۲۰۱-۲۱۷۷ پ. م. دوام داشت و سپس چند تن از سران
 کوتی بنام ایمتا ۲۳ و اینگه شائوش ۲۴ و سارلاگاب ۲۵ و یارلاگاش ۲۶
 و الولومش ۲۷ و بعداً جانشینان او اینی ماباگش ۲۸ و اینگه شائوش ادامه داشت.
 اواخر تسلط کوتیان مجدداً ساکنین بابل و اطراف متحد شده و مانع از نفوذ
 و حاکمیت کوتیان شدند و نهضتی برای مبارزه و حتی اخراج کوتیان برهبری
 سلسله جدید اور ایجاد گردید و در جنگی که بهمین مناسبت بوقوع پیوست
 پادشاهان بابل موفق شدند که قدرت را از دست کوتیان خارج ساخته و خود
 حاکم سرفروش اراضی مربوطه باشند و حتی به پیشروی ادامه داده و شوش
 و سراسر مناطق آنرا جزو ایالات خود نمودند. ولی جالب اینجاست که این
 حاکمیت نیز مدت زیادی ادامه نیافت و پس از یک قرن اقوام کوهستانی موفق
 شدند بجز آنکه از قیمومیت آنها خارج شوند پادشاه آنها را نیز مغلوب نموده
 و باسارت بکوهها بردند.

در این زمان فاتحی جدید از کشورش سیماش ۲۹ (که شاید در کوههای

-
- 20 — H. V. Hilpsecht, «Earliest Version of the Deluge Story», BE, Ser. D, V, I, P. 20 ff.
 21 — E. Thureau-Dangin, «La fin de la domination gutienne» RA, IX, P. 112
 22 — Shar-Kali-Sharri
 23 — Imta
 24 — Ingeshaush
 25 — Sarlagab
 26 — Yarlagash
 27 — Elulumesh
 28 — Inimabagesh
 29 — Simash
 30 — Isin

مغرب اصفهان امروزی بود) فرارسید که برشوش و عیلام حکومت مینمود سپس سلسله ایسین^{۳۰} برخاسته و سیماش را رانده و عیلام را متصرف شد. متأسفانه درباره جزئیات طرز رفتار حکام و اوضاع داخلی اقوام لولوبی و گوتی اطلاع کامل و جالبی تا کنون در دست نیست و ناچاراً جهت بررسی و شناخت بیشتر این اقوام باید تمام نبشته ها و آثاری که مربوط به اینهاست بیشتر مطالعه نمود تا نتیجه گیری صحیح تری بدست آید.

راجع بمناطق این اقوام میدانیم پس از ضعفی که در قدرت نارام سین و پسرش شارکالی بوجود آمد پوزور اینشوشیناک^{۳۱} عیلامی عملیات جنگی خود را با آنها در مناطق شیلوان^{۳۲} و گوتو^{۳۳} و کاشن^{۳۴} و خو (مو) رتوم^{۳۵} و خو خونوری^{۳۶} و کیماش^{۳۷} نزدیک کرکوک که اکثراً ایالت های لولوبیان و هوریان محسوب میشدند بعمل آورد.^{۳۸} واحتمالاً نبشته آنوبانی فی^{۳۹} پادشاه آنها بر صخره سرپل ذهاب^{۴۰} باید مربوط بهمین باشد یعنی در حدود قرن ۲۲ پ. م. البته نام این پادشاه اکدی است و نبشته بزبان اکدی است که دلیل آن قبلاً بعلمت اخذ تمدن و فرهنگ گوتیان و لولوبیان از اکدیان ذکر شد.

لولوبیان در نیمه هزاره سوم پ. م. دارای دولتی قوی بوده و جامعه ای

31 — Puozour—Shoushina

32 — Shilvan

33 — Guto

34 — Kashshan (کشور کاسیان)

35 — Xu (Mu) rtum

36 — Xu xunuri

37 — Kimash

38 — V. Scheil, *Mén. Dél. en Perse*, I-II, P. 53 Pl. 11.

39 — Anubanini

40 — E. Porada, *Iran Ancien*. Paris 1963, P. 33 Fig 15; E. Herzfeld, *Iran in the Ancien East*. Oxford University Press, London 1941, P. 183 Fig 297.

طبقاتی داشتند که در نبشته مزبور سخنی از دولتی در میان است که هوریان یا اکدیان بکمک نیروهای مسلح و جالب قبایل لولوبی بوجود آوردند^{۴۱} ولی محل این نقش برجسته تا حدودی شاید خارج از متصرفات آنوبانی‌نی بوده و ممکن است مرز بوسیله آن نقش مشخص شده بود. در نبشته ذکر شده که آنوبانی‌نی پادشاه لولوبوم تصویر خود و ایشتار^{۴۲} را بر کوهی نقر کرده است. ^{۴۳} اهمیت فراوان این نقش از چند جنبه قابل بررسی است مثلاً قدیمترین البسه ساکنان ماد را برای اولین بار در اینجا مشاهده می‌کنیم. که پس از گذشت ۱ قرن در بدن مادهای پوششی بهمان فرم ادامه داشته است. و بجز مادهای مردم مانناوماد غربی و کاسپیان نیز لباسشان مشابه آنها بوده است که بجز مدارک فراوانی که از لحاظ باستانشناسی در دست داریم گفته‌های هرودت نیز مؤید این موضوع است. البته در این نقش برجسته آنوبانی‌نی لباس اکدی در بردارد و اسیران نیز فقط کلاهی بسر، که از ۹ تصویر اسیران ۸ نفر کلاههای سومری و اکدی ونهمی یعنی نفر اول در صف زیر کلاه یساتاجی بسر دارد که این کلاه نیز در هزاره اول ویژه مادهای بوده که بعدها پارسیان نیز از آنها گرفته‌اند این تسلسل و ادامه در بین هزاره سوم و هزاره اول پ. م. نموداری از ادامه عادات و رسوم ساکنان این نواحی است که شاید از لحاظ نژادی و مردم شناسی چندان تغییر نکرده بودند.

فهرستی که از شاهان گوتی موجود است عبارتند از پادشاهان بسیاری که مدت پادشاهی هر کدام از آنها بسیار کم است، و جمعا بنا بفهرست ۹۱ سال بر مناطق خود و سومر و اکد حکمفرمائی نمودند: ^{۴۴}

41 — BOTU II, 2 (KVDOG, XL11,2), Leipzig. 1926, P.25 ff; KUB, ××VIII, Berlin 1934, No. 38—IV.

42 — Ishtar

43 — J. de Morgan, *Mission Scientifivue en Perse* IV. Anvers, 1896 P. 172 Pl. XIII.

کتاب کرمانشاهان باستان صفحات ۱۶-۲۱.

44 — Th. Jacobson, «The Sumerian King—List» *The Oriental Institute of Chicago, Assgriological Studies*, No. 11, Chicago 1939 PP. 147 ff.

- | | |
|-----------|-------------------------------------|
| (۵ سال ۴) | ۱- ایمتا سه سال |
| ۶ سال | ۲- اینگوشوش |
| ۶ سال | ۳- سارلاآب |
| ۶ سال | ۴- شولمه (= ایارلاآش) ^{۴۵} |
| ۶ سال | ۵- الولومش |
| ۵ سال | ۶- اینی ماباکش ^{۴۶} |
| ۶ سال | ۷- اینگه شوش (= اینگه شائوش) |
| ۱۵ سال | ۸- ایارلاآب ^{۴۷} |
| ۳ سال | ۹- ایباته ^{۴۸} |
| ۳ سال | ۱۰- ایارلانآب (= ایارلاآب) |
| ۱ سال | ۱۱- کوروم ^{۴۹} |
| ۳ سال | ۱۲- خابیلکین ^{۵۰} |
| ۲ سال | ۱۳- [لائه] رابوم |
| ۲ سال | ۱۴- ایراروم ^{۵۱} |
| ۱ سال | ۱۵- ایبرانوم ^{۵۲} |
| ۲ سال | ۱۶- خابلوم ^{۵۳} |
| ۷ سال | ۱۷- پوزودر - سوئن ^{۵۴} |

-
- 45 — Yarlagash
 46 — Inimabagesh
 47 — Eyarlagab
 48 — Ibate
 49 — Kouroum
 50 — Khabilgin
 51 — Iraroum
 52 — Ibranoum
 53 — Khabloum
 54 — Pozoudr-Souen

۱۸- [ایا] رلاکاند (آ) ۵۵ ۷ سال

۱۹- [سی] اوم ۵۶ ۷ سال

۲۰- تیریکا (ن) ۵۷ ۴۰ روز

۲۱- شاهی که ۹۱ سال و ۴۰ روز سلطنت نمود؛

در لیست پادشاهان و یا حکمرانان فوق‌الذکر چند نکته جالب وجود دارد اول متشابه نبودن اسامی، دوم عده زیادی از آنها ۶ سال و ۷ سال پادشاه بوده‌اند. و چون در جهان باستان چنانچه شاهنشاهی درست یک خاندان و یا سلسله‌ای ادامه می‌یافت بارها نام پدر بزرگ و یا جد پادشاه را بر روی فرزند می‌نهادند مثل پادشاهان آشور و هیتی و اورارتو و غیره و مورخین نیز آنها را با شماره‌های ۱ و ۲ مشخص مینمایند که بهترین مثال سلسله هخامنشی است که کوروش و داریوش و اردشیر و غیره چندبار تکرار شده‌است. لذا نبودن چنین وضعی در فهرست مزبور مؤید این موضوع میتواند بود که این پادشاهان و یا حاکمان از یک خاندان نبوده‌اند و از طرفی چون مدت حکمرانی عده زیادی از آنها ۶ سال و ۷ سال ذکر شده‌است چه بسا جهت انتخاب حاکم پادشاه سیستمی مشابه حکومت‌های جمهوری فعلی داشته‌اند که در رأس مدت معین (و یا بجهاتی قبل از آن) مجدداً شخص دیگری را انتخاب یا انتصاب مینموده‌اند و بهر حال از حاکم و یا پادشاه خود کاملاً دفاع نموده و فرمانبردار او بوده‌اند و بر اثر همین خصائص بوده‌است که گوتیان با وجود اینکه دارای تمدن و فرهنگ درخشانی نبوده و نسبت به سومریها و اکدیها بدوی‌تر بودند، توانستند بزرگترین ارتش و دولت را بوجود آورده و بر ارتش قوی آن زمان پیروز گردند و از همینجا مفهوم میشود که این فرمانبرداری و اتحاد قنفا در مراکز مهم و شهرها نبوده بلکه برای حمله بکشوری چون اکد همبستگی و کمک و

55 — [Iya] relagand (a)

56 — Si [oum]

57 — Tiripân; A. H. Sayce, «The new Babylonian Chronological Tablet», PSBA, x x I 1899—2, P. 20 ff.

A. Boissier, «Inscription de Narâm—Sin», RA XVI, 1919 P. 157 ff.

پشتیبانی همه قبایل ضروری بوده است و چه بسا گوتیان قبل از حمله به اکد از موقعیتهائی استفاده نموده و عواملی را در داخل حکومت و ملت اکد بنفع خویش ساخته و پرورده بودند زیرا بدون کمک از داخل اکد فتح و پیروزی آنها کار آسانی نبوده است.

پیروزی گوتیان بر دشمنان بقدری بر آنها گران آمده است که او تو هگال^{۵۸} پادشاه شهر اوروک^{۵۹} امیر سلسله پنجم اوروک در کتیبه خود این اقوام را « مار گزنده کوهستان و متجاوز بحریم خدایان » نامیده است که « سلطنت سومریان را به گوها بردند و سراسر سومر را کینه و دشمنی افکندند » البته این جملات برای قومی مغلوب منطقی است ولی سراسر دوران فرمانروائی اکدی ها بیشتر با جنگهای داخلی و خونریزی و کشت و کشتار گذشته است، و اوضاع و احوال طوری بوده است که مردم بستوه آمده و با احتمال قوی در موقع هجوم گوتیان مردم ستم کشیده اکد برای نجات خود آنها را پشتیبانی کرده اند.^{۶۰} لذا عملاً نقش گوتیان برای مردمان اکد، آزادی بخش و پرثمر بوده است ولی چون هدف مهمتر گوتیان از بین بودن قدرت دشمن و بدست آوردن مال و مکنات و غنیمت جنگی بوده است مسلماً مراکز نظامی و بناهایی را که مرکز تجمع سران قوم و یار ویژه عیش و عشرت آنها بوده خراب کرده اند و بهمین مناسبت بوده است که در نیشتمه مزبور آنها را متجاوز بحریم خدایان و غیره ذکر نموده اند. ارزش نبوغ سیاسی و تاکتیکی گوتیان از رفتار آنها پس از این پیروزی کاملاً مشهود است. یعنی گوتیان بخاطر منافع خود با ارزیابی و بررسی هائی که نمودند صلاح را در این دانستند که با بستن مالیاتهای سنگین حکومت را به سران محلی اکد تفویض نمایند و این شیوه سیاستی است بسیار اصولی و با ارزش.

اورپائو پادشاه ثروتمند و مقتدر که همزمان با سقوط قطعی اکد بوده

58 — Outou—Hégal

59 — (Varka) Ourouk

۶۰ — م.ا . یا کونف . تاریخ ماد صفحه ۱۴۵.

است معابد زیادی در لاگاش^{۶۱} ساخت ولی در تحت حمایت گوتیان بوده و بر سومر حکمرانی میکرد. پس از او در لاگاش قدرت بدست گودآ^{۶۲} داماد اورپائو افتاد که او نیز بناهای جالبی در اوربیا نمود ولی بخاطر حفظ موقعیت شخص خود و کشور مالیات یا خراج سالیانه را مرتباً میپرداخت. لذا سیاست اداره کشورهای مفتوح بوسیله سران محلی توسط گوتیان ادامه یافت و در موقعیتهائی در ارتش گوتیان نیز از وجود بعضی از سرداران اکدی مثل نبی-انلیل^{۶۳} و اور-نیمازو^{۶۴} (در زمان پادشاهی تیریگان) استفاده میشد.

بالاخره جنگ میان تیریگان و اوتوهگال در ۲۱۰۹ ب. م. اتفاق افتاد و تیریگان مغلوب گشته و از میدان نبرد فرار کرده و در دهکده دو بروم پنهان گردید ولی مردم او را تسلیم نمودند و اعدام شد. باین پیروزی اوتوهگال سلطنت سومر و اکد را احیا نمود ولی چندسال بعد که او کشته شد (غرق شد) باز گوتیان توانستند بر مناطق و اراضی سابق حاکم گردند زیرا در این مدت کوتاه طبقه خاصی از حاکمان محلی بین النهرین بفکر منافع شخصی بوده و با زور و اجحاف بفکر کسب ثروت و قدرت و استعمار مردم بوده و لذا تضاد شدیدی بین توده های مردم باقشر حاکم بوجود آمده بود و این تضاد در مردم تنفر و انزجار شدیدی نسبت به حاکمان محلی خود ایجاد نموده و عملاً مردم بین النهرین گرایش بیشتری بایرانیها پیدا کردند و بهمین مناسبت بود که در موقع حمله اخیر گوتیان اکثریت مردم بین النهرین هیچگونه دفاعی از رهبران خود نکرده و حاضر نشدند بخاطر حفظ منافع اربابان با گوتیان بجنگند و باین ترتیب با جان و دل به قیومیت ایرانیها تن در دادند.

پس از این تاریخ اطلاعات ما راجع به گوتیان بریده بریده و ناقص است ولی از روش سومریها و اکدیها میدانیم که همیشه سعی داشتند از قبایل لولوبی و گوتی بعنوان کمتر از یک برده استفاده نمایند مثلاً جهت تأیید این

61 — (Telou) Lagash

62 — Goudea

63 — Nabi — Enlil

64 — Ur—Ninazu

موضوع مدارك جالبی درباره لیست لوازم و خواربار اردو گاه زنان اسیر که در زمان یکی از پادشاهان سلسله اور در دست می باشد مربوط به بور سین^{۶۵} در حدود ۲۰۵۱ پ.م. است^{۶۶} که نمودار اوضاع و احوال وحشتناک زنان اسیر و زنان باردار و کودکان می باشد و چون اکثر این زنان اسیر را در هنگام لشکر کشی یکی از شاهان سلاله سوم اور به آربل (اور بیلوم)^{۶۷} گرفته بودند معلوم میشود که این ناحیه نیز جزو منطقه کوتی هاست و زنان مزبور نیز از قبایل آنها هستند. ^{۶۸} و علت حملات و چشم داشت ساکنین بین النهرین بر اراضی کوتیان و لولو بینان در همسایگی و نزدیکی و داشتن ثروت معدنی فراوان (مثل طلا و غیره که برای ساختمانهای معابد و قصور آنها لازم و ضروری بود) و بدست گرفتن راه ترانزیت آن زمان بود که در منظور سیاسی و اقتصادی خلاصه میشود. ولی علیرغم برتری تمدن و فرهنگ اکدی اقوام ایرانی توانستند پس از سلسله آکاد که پنج پادشاه بنام سلسله چهارم اور و وک که ۲۶ سال سلطنت کردند دو سلسله بزرگ بابل را منقرض کنند اول سلسله ای که سارگن تأسیس نموده بود دوم سلسله ای که بنام سومین سلسله اور مشهور است و توسط پادشاهان سیماس مضمحل گردید

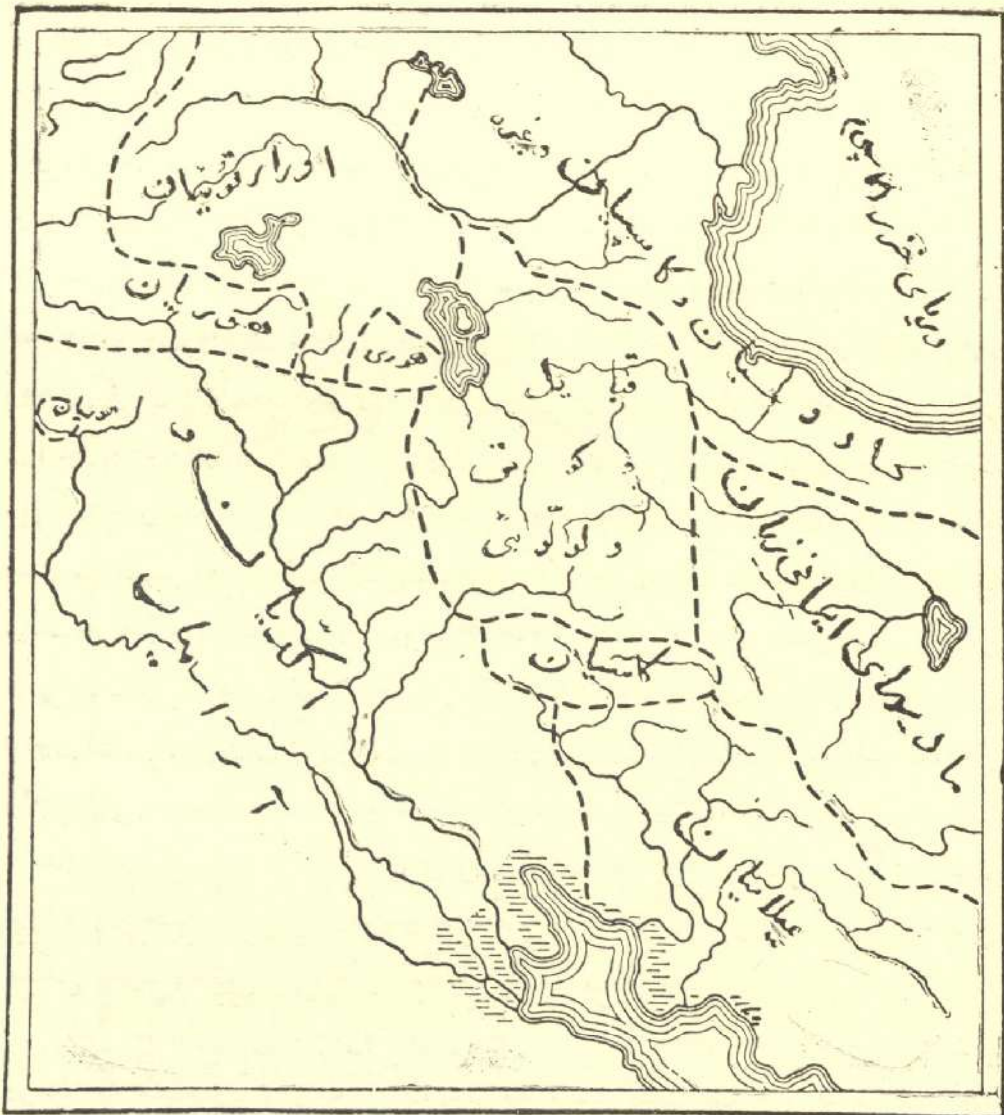
در هزاره دوم پ. م. با ظهور اقوام هندواروپائی و حرکت دو شعبه آن، شعبه شرقی که بنام هندو ایرانی معروف است در سمت مشرق دریای خزر حرکت کرده و دسته ای از اینها که شاید جنگجو تر بودند از قفقاز گذشته و تا شط فرات پیش رفتند که با اختلاط با هوریان محلی، پادشاهی میتانی را تشکیل دادند و حتی شمال بین النهرین و آشور را نیز تحت نفوذ گرفتند. و با الحاق دره های زاگرس شمالی که مسکن قوم کوتی بود قلمرو خود را فزونی داده و بر قدرت خویش افزودند (شکل ۳).

65 — Bour—Sin

66 — VDI-3, 1952, P. 12 ff.

67 — Ourbilloum

۶۸ — ۱. م. دیا کونف. تاریخ ماد صفحه ۱۵۸.



شکل ۳ - محل سکونت تقریبی گروه های نژادی در آغاز هزاره اول قبل از میلاد (از کتاب تاریخ ماد - ص ۱۸۰)

اینک خوبست - اگر چه باختصار هم باشد - بیینیم هنر لولوبی و کوتی در هنر مادی و هخامنشی تا چه اندازه تأثیر داشته است .

در بررسی هنر ماد و هخامنشی بویژه در حجاری این دوران اکثر باستانشناسان بعللی از اقوامی مثل آشوریها ، مصریها و اورارتوها و غیره نام میبرند که مورد تقلید و اقتباس ایرانیها بوده اند و وجود آثاری در میان ملل نامبرده که تا حدودی پیش تر و یا همزمان و متشابه آثار ماد و هخامنشی است باعث اشاعه این نظریات گردیده است در حالی که در پژوهش و بررسی هر اثر هنری قبل از مطالعه درباره میزان اخذ تأثیر و نفوذ هنری از خارج باید هنر اصیل بومی و محلی همان محل در حال و گذشته بیشتر مورد توجه قرار گیرد زیرا بشر در ابداع و خلق هر اثر هنری بیش از هر چیز ، بآنچه که از استادان و نیاکان خود فرا گرفته و میداند و فکر میکند و با آن در محیط و یا تخیل خود مأنوس شده است و بالطبع آنرا مقبول محیط و جامعه و یا خود میداند ، می پردازد و حتی مذهب ، رسوم ، اعتقادات و آب و هوای محیط و سنن هنری و حس خلق یک اثر عالی و جالب که مورد توجه و مقبول و تحسین جامعه باشد همیشه در همه دوران مورد نظر هنرمندان بوده است . بویژه در روزگار باستان که تعصبات مذهبی و اجتماعی در میان اقوام مختلف شدیدتر بوده و ارتباط نداشتن با خارج نیز کندی و موانعی جهت تأثیر فوری و مستقیم هنرها بر هم محسوب میگشته است ما را وادار میکند درباره اصل و ریشه هنرها بیشتر با اصول و هنرهای محلی متکی باشیم و سپس بهنرهای اطراف و جوانب آن معطوف گردیم .

این استدلال برای هنر معماری و حجاری ماد و هخامنشی نیز صادق است . در مطالعه هنر مادی و ادامه آن که هنر هخامنشی است باید قبل از مقایسه آنها با خارج هنر اصیل محل را کاملاً شناخت مثلاً دو نقش برجسته جالب در سر - زمین ماد که متعلق به کوتیان و لولوبیان در هزاره سوم پ . م . بوده و هنوز هم پابرجاست بهترین دلیل و مدار کی است که باید مورد بررسی قرار گیرند .

در حجاری مادی و بویژه هخامنشی خصوصیات و اصولی همیشه مورد توجه قرار داشته است مثلاً در حجاری بر صخره کوهها ، جئه پادشاه همیشه بزرگتر از دیگران تصویر میشود ، صورتها نیم رخ ولی چشمها بادامی تمام ، در بالا نماد

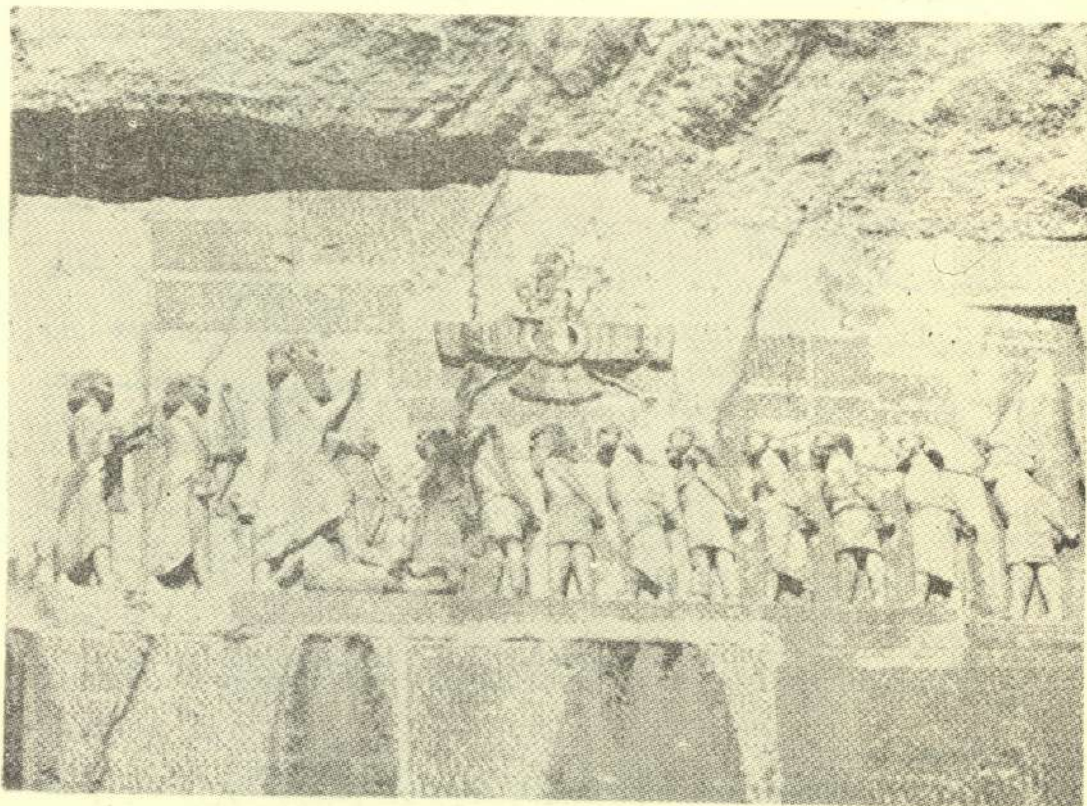


شکل ۴ - برجسته آنوبانی نی پادشاه لولوبیان در سرپل ذهاب از :
Joseph Wiesner, *Die Kunst des Alten orient* (Ullstein Kunstgeschichte
Alterorient) Berlin 1963 P. 39 Fig. 12



شکل ۵- نقش برجسته هورین شیخ خان از کتاب «ایران از آغاز تا اسلام»

ص ۳۶ شکل ۲۱



شکل ۶- بیستون : نقش برجسته داریوش شاهنشاه هخامنشی و گئومات
مغ و نه تن یاغیانی که عصیان ورزیده‌اند . از کتاب «کرمانشاهان باستان» ص ۳۴

فروهر، اندازه انسانها اکثراً بیک اندازه و فاصله بین آنها نیز مساوی، اعمال و حرکات تصویر شدگان اکثراً شبیه بهم و تکراری، در يك كادر صحنه های مختلفی بصورت چندردیف رویهم قرار داشتن، صورت و جهت و حرکات و رفتار اکثر تصویر شدگان در صحنه ها متوجه مر کزیتی بودن و.....

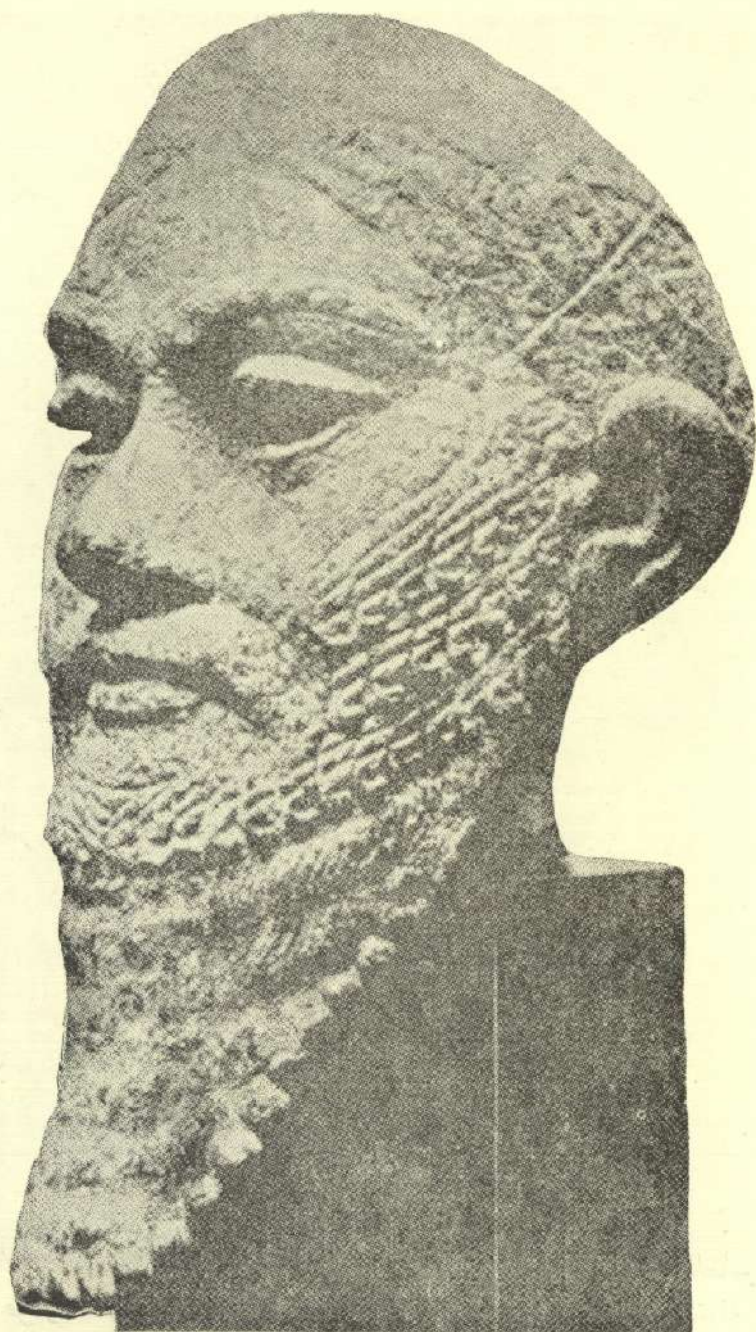
بیشتر ویژگیهای فوق الذکر در هنر هخامنشی را چون قبل از آنها مصر، آشور و اورارتوئیها در آثارشان منظور داشته اند مورد ملاك جهت تأثیر در هنر هخامنشی قرار گرفته است در حالیکه در دو نقش برجسته لولوبیان ۶۹ که در صخره سرپل ذهاب کار شده است (شکل های ۵ و ۶) و بیش از ۱۶ قرن نیز قبل تر از تخت جمشید می باشد اکثر اصول، ویژگیهای فوق الذکر در آنها رعایت شده است. و بجز شباهت اصولی در نکات ذکر شده از لحاظ موضوع صحنه نیز بانقش برجسته ای که در کوه بیستون است (شکل ۶) کاملاً مطابقت مینماید زیرا در نقش برجسته گوتیان جمعاً ۹ اسیر دیده میشود که دستهایشان را از پشت بسته اند و یکی از آنها بزمین افتاده و آنوبانی نی پای خود را بر روی سینه او گذاشته است. در نقش برجسته بیستون نیز جمعاً ۹ اسیر وجود دارد که دستهایشان از پشت بسته شده و یک نفر نیز زیر پای شاه قرار دارد.

همانطوریکه ذکر شد در نقش برجسته لولوبیان کلاه نفر اول در ردیف پائین درست از نوع کلاههایی است که در دوران هخامنشی بر سر بزرگان پارسی می بینیم. و برخلاف نظر عده ای که این نقش برجسته را تقلید یا تأثیری از سنک یادگار نارام سین میدانند میتوان گفت که کاملاً هنری است مستقل و متکی به اصول و سنن محلی ایران ۷۰ (شکل ۱۰)

نتیجه ای که از همین بحث و مقایسه مختصر بدست می آید این است که

69 — Joseph Wiesner, Die Kunst des Alten Orients (Ullstein Kunstgeschichte (Alter Orient) Berlin 1963 P. 39 Fig. 12.

۷۰ — برای سنگ یادگار نارام سین که بصورت غنیمت جنگی به شوش آورده شد و باستانشناسان فرانسوی آنرا در شوش کشف و به موزه لوور بردند نگاه کنید به مقاله «نگاهی بگذشته ها بکمک باستانشناسی» بقلم دکتر عیسی بهنام در شماره ۳۰ مجله هنر و مردم فروردین ۱۳۴۴ خورشیدی صفحات ۶ - ۱۰. همچنین در صفحه ۱۸۵ شکل ۴ کتاب ملل قدیم آسیای غربی تألیف دکتر احمد بهمنش. تهران ۱۳۳۳ خورشیدی.



شکل ۷ - مجسمه سر - تصویر از پادشاه گوتیان ، از مفرغ ، کارصنعتگر
اکدی یا عیلامی ، پایان هزاره سوم قبل از میلاد (؟) از کتاب تاریخ ماد ص ۱۴۸
شکل ۱۰



شکل ۸ - مجسمه سر از مفرغ - بسیار کهن مکشوف از سلماس (؟) در
حدود اوایل هزاره سوم پیش از میلاد (؟) از کتاب میراث ایرانی مقاله پرفسور
ج.ه. ایلینف ص ۳۰ لوحه ۴



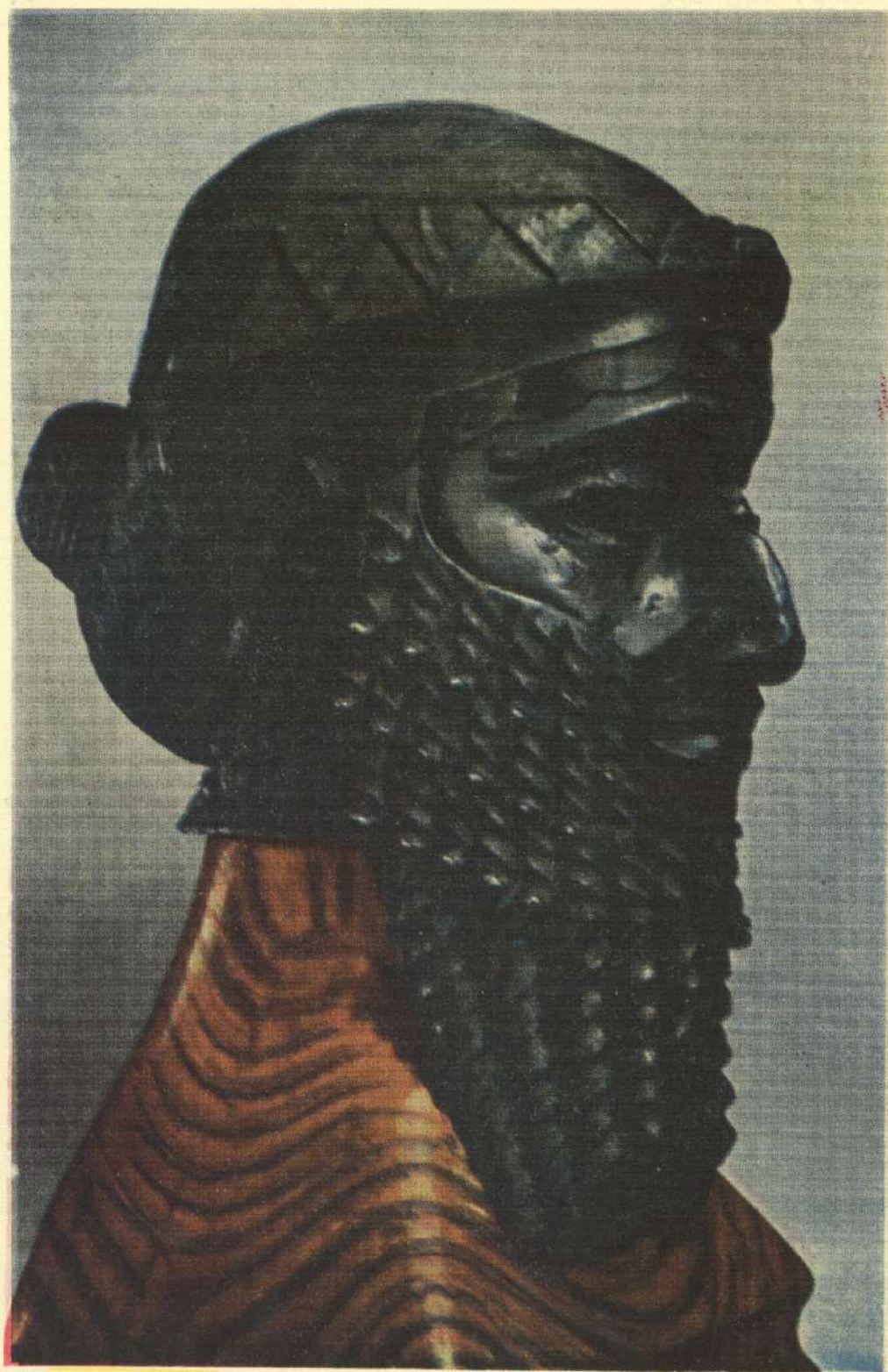
شکل ۱۰ - سنک یادگار نارام سین که بصورت غنیمت جنگی بشوش آورده شد. (فعلا در موزه لوور قرار دارد) از مقاله «نگاهی به گذشته ها یکمک باستانشناسی» به قلم دکتر عیسی بهنام ، مجله هنر و مردم شماره ۳ فروردین ۱۳۴۴ خورشیدی - ص ۶

هنرمادی و پارسی بر خلاف عقیده محققان و باستان شناسان بیگانه که آنرا تقلیدی از هنر سومری، آشوری، مصری، یونانی و اورارتوئی میدانند از هنر ساکنان قدیمی تر سرزمین ایران یعنی لولوبی ها و گوتی ها متأثر شده است و بنابراین، بیشتر رنگ محلی دارد تا تقلید از هنر همسایگان و اقوام دورتر. و نیز چنین نتیجه میگیریم که در نیمه هزاره سوم پیش از میلاد در غرب ایران اقوام گوتیان و لولوبیان در تاریخ کشور ما اهمیت بسزائی داشته اند و با وجود داشتن زندگی کوهستانی مردمانی شجاع، با سیاست و هنرمند بوده اند^{۷۱} که روح آزاد منشی و وطن پرستی و بلندپروازی آنها باعث اتحاد و همبستگی واقعی همه اقوام ایران گشت و موفق شدند در برابر بزرگترین امپراطوری عصر خود و قوی ترین ارتش زمان ابراز وجود نموده و حتی بر آنها حاکم کردند.

تمدن و هنر اینان مقام هنری و اصالت واقعی تمدن این مرز و بوم و بخصوص آریایی ها را بخوبی اثبات نموده و فرضیه های «نفوذ تمدنهای بیگانه در فرهنگ و هنر ایران باستان» را رد می نماید و چون بر خلاف بین النهرین در ایران حفاریات و تحقیقات فراوانی بعمل نیامده است در نتیجه حفاریها و پژوهشهای بعدی باستان شناسان و دانشمندان، با احتمال قوی اولین مراکز تمدنهای اولیه جهان باستان در ایران معرفی خواهد شد که به تمدن و هنر کشورها و مناطق دیگر نیز نفوذ داشته است.

متأسفانه چون بیشتر دانشمندان غربی بعللی مرکز تمدنهای اولیه و شهرهای باستانی را در اطراف فلسطین و بین النهرین و حوالی آن که محل تولد موسی و عیسی می باشد جست و جو مینمایند کمتر با اقوام همزمان و مرتبط با آنها توجه دارند و چنانچه ذکر و تحقیقی نیز در باره این اقوام بشود بخاطر

۷۱ - چون در این مقاله از هنر این اقوام فقط از دو نقش برجسته بحث شد بجاست که دو مجسمه سر، از مفرغ را که شبیه سر برنزی مکشوف از نینوا (متعلق به نارام سین؟) است معرفی کنیم. (شکل های ۷-۸-۹).



مجسمه برنزی سر نارام سین

بررسی و تحقیقی است که در شناخت تمدن و زبان و هنر آنها انجام میگیرد نه برای اقوام مرتبط با آنها، و متأسفانه زاویه دید برای شناخت تمدن و هنر اقوام ایرانی نیز از دریچه نبشته‌ها و منابع رقیبان و دشمنان همزمان چنین اقوامی است که نمیتواند مقرون بحقیقت باشد و باید بخاطر و برای شناخت اقوام باستانی ایران کاوشها و پژوهشهایی در مناطق مختلف ایران توسط هیئت‌های علمی انجام پذیرد و چنانچه این کاوشها توسط دانشمندان متخصص و مطلع ایرانی عملی گردد مسلماً پربارتر خواهد بود.

پایان

بعضی از مقالات و کتاب های مهمی که در نوشتن این مقاله از آنها سود جسته ام

- Boissier (A). — «Inscription de Narâmn—Sin», RA XVI (1911).
- Cameron (G). — *History of Early Iran*. Chicago 1936.
- Contenau (G). — *Manuel d'Archéologie Orientale* I. Paris 1927.
- Delitsch (F). — *Wo lag das Paradies*. Leipzig 1881.
- Ghrishman (R). — *Perse, Proto-iraniens Médes Achéménides* 1963, P. 2
- Ghirshman (R). — *Iran des origines à l'Islam*. Paris 1951
- Hamg (E.T.), «La figure humaine dans les monuments chaldéens»,
Bul. et Mém. de la Société anthropologique de Paris. ××I-3, 1907
P. 125 f.
- Herzfeld (E). — *Iran in the Ancient East*. London—Newyork, Oxford
University Press 1941.
- Hilpsecht (H.V.). — «Earliest version of the Deluge story», Be. Ser.
Hilpsecht (H.V.). — «Earliest version of the Deluge story», Be. Ser.
D. 5, I
- Hommel (F). — «Assyriological notes», PSBA ××I, 1886.
- Hommel (F). — *Grundriss der Geographie und Geschichte des Alten
Orient*. München 1904.
- Hrozng (B.). — *Histoire de l'Asie Antérieure*. Paris 1947
- Hüsing (G.). — «Der Zagros und seine Volker», AO IX, 3—4.
- Jacobson (Th.). — «The Sumerian King—List», *The Oriental Institute of
Chicago, Assyriological Studies* No. 11, Chicago 1939 P. 147 ff.
- Lacheman (E.R.).—«Nuzi Geographical names», BASOR No. 78.—1940.

- Morgan (J. de). — *Mission Scientifique en Perse* IV, Anvers 1896.
 Parrot (A.). — *Assur*. Paris 1961.
 Porada (E.). — *Iran Ancien*. Paris 1963.
 Sayce (A.H.) — «The new Babylonian chronological tablet», PSBA X × I
 1899.
 Speiser (E.A.). — *Mesopotamian Origins*. Philadelphia 1930.
 Smith (S.). — *Early History of Assyria*. London 1928.
 Sheil (V.). — «Une nouvelle dynastie Suméro-Accadienne, Les rois Guti»,
 CRAT 1911.
 Sheil (V.). — «Anciennes dynasties de Summer», CRAT 1911.
 Thureau (E.) — Dangin, — «La fin de la domination Gutienne» RA IX.
 Thureau (E.) — Dangin, — «Tablette de Samarra» RA 1912
 Joseph Wiesner, *Die Kunst des Alten Orients (Ullstein Kunstgeschichte
 Alter Orient)* Berlin 1963 P. 39 Fig. 12.

۱. م. دیا کونف. **تاریخ ماد** (ترجمه کریم کشاورز) تهران ۱۳۴۵ خورشیدی.
 رمان گیرشمن. **ایران از آغاز تا اسلام** (ترجمه دکتر محمد معین) تهران
 ۱۳۳۶ خورشیدی.
 رمان گیرشمن. **هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی** (ترجمه دکتر عیسی
 بهنام) تهران ۱۳۴۷ خورشیدی.
کرمانشاهان باستان (بکوشش دکتر سهراب فیروزیان) تهران ۱۳۴۷ خورشیدی.
 دکتر احمد بهمنش. **تاریخ ملل آسیای غربی**. تهران ۱۳۳۶ خورشیدی.
میراث ایران (از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب) تهران ۱۳۴۶ خورشیدی.

نشانه های اختصاری که در این مقاله به کار رفته است

AO	Archiv Orientalny
BASOR	<i>Bulletin of American Schools of Oriental Research</i>
BSA	<i>Annual of the British School at Athens</i>
CRAI	<i>Comptes rendus des Séances (Académie des Inscriptions et Belles lettres)</i>
RA	<i>Revue d'Assyriologie</i>